



این ۱۲ دلیل را بخوانید

چرا اجلاس تهران موفق بود



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

تهران روز سه‌شنبه میزبان هفتمین دور از نشست سران کشورهای عضو چهارچوب آستانه بود. در این نشست ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان میهمان رئیس‌جمهور ایران بودند تا آخرین مسائل موجود در قضیه سوریه را مورد مذاکره قرار دهند. علی‌رغم موضوعیت سوریه در این نشست اما بیرون از جلسه نیز اتفاقاتی رقم خورد که دست‌کمی از دستاوردهای نشست نداشت. شاید این مساله به‌طور مستقیم سندی بر نقاط برجسته اتفاقات نشست تهران نباشد اما حداقل توجه به عکس‌های متعدد و پرمعنی ثبت‌شده در حاشیه این نشست می‌تواند حتی برای آنهایی که اهل سیاست و خواندن نیستند نیز به اندازه کافی گویا باشد.

چهارچوب آستانه چه نکاتی را به ما گوشزد می‌کند؟

سخن گفتن از دستاوردهای نشست اخیر تهران هرچند لازم است اما یک آفت بزرگ دارد. تمرکز روی یک نشست می‌تواند یک فرآیند طولانی‌مدت را در چشم ما کمرنگ کند. نشست هفتم سران چهارچوب آستانه حاوی اتفاقات مثبت بسیاری بود اما این است تا به تمام قامت این چهارچوب نگریست. در ادامه نکات مهم پیرامون چهارچوب آستانه آمده است.

اهمیت چهارچوب آستانه

نشست‌های بین‌المللی پیرامون موضوع سوریه به چند دسته و دوره زمانی تقسیم می‌شوند. در دوره نخست، این نشست‌ها به‌صورت یکجانبه توسط غرب و متحدانش برگزار می‌شدند و موضوع آنها نیز حمایت از مخالفان دولت سوریه بود. هم‌زمان با برگزاری چنین اجلاس‌هایی، نشست‌های ژنو نیز برگزار می‌شد. در این نشست‌ها کشورها و سازمان‌های بین‌المللی زیادی شرکت داشتند که عمده‌ترین‌های حاضر در آن آمریکا، اروپا و ترکیه به‌عنوان متحد مخالفان و همچنین روسیه به‌عنوان متحد دولت سوریه، بودند. دولت سوریه نیز به این نشست‌ها دعوت می‌شد. هرچند این چهارچوب همچنان باقی است اما در سطح قدرتمند پیشین ظاهر نشده بلکه با تغییر معادلات همه‌جانبه در سوریه به‌عنوان تنها درجه غرب و مخالفان دیده می‌شود.

اگر شاخص نشیتهای دسته اول یکجانبه بودن آنها و شاخص نشست‌های دسته دوم جلوگیری از حضور ایران در ابتدای آنها بود اما تهران در سومین دسته از گفت‌وگوهای بین‌المللی پیرامون سوریه به این جریان پیوست.

سومین چهارچوب از نشست‌های بین‌المللی در آستانه کلید خورد. نخستین دور از این نشست در ۴ و ۵ بهمن ۱۳۹۵ (۲۳ و ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷) در شهر آستانه پایتخت قزاقستان میان هیات‌هایی از دولت سوریه، مخالفان، معاونان وزیر خارجه ایران و ترکیه، نماینده وزیر پوتین در امور سوریه و نیز سفیر آمریکا با نظارت استنفان دی‌میستورا، نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور سوریه، برگزار شد.

با این حال نضی این مذاکرات در دستان ایران، روسیه و ترکیه قرار داشت به‌گونه‌ای که دوروز قبل از آغاز نشست هیات‌های این سه کشور وارد قزاقستان شده و سه روز گفت‌وگوی سه‌جانبه را درباره مقدمات نشست برگزار کردند.

هرچند آمریکا نیز در آستانه حضور داشت اما سطح آن به سفیر این کشور در قزاقستان محدود شده بود. واشنگتن خود برگزاری انتخابات در این کشور و جابه‌جایی‌های سیاسی را دلیل عدم حضور هیات خود در قزاقستان عنوان می‌کرد، موضوعی که چندان واقعی به نظر نمی‌رسید؛ درمقابل عده‌ای دیگر مخالفت ایران با حضور هیاتی سیاسی از آمریکا را دلیل اصلی می‌دانستند.

نشست‌های آستانه اما به‌سرعت تغییر و توسعه یافت و به دو شاخه هماهنگ تبدیل شد. در شاخه نخست هیات‌های سیاسی در سطح وزارت خارجه کشورهای حاضر هستند و تاکنون ۱۸ نشست برگزار کرده‌اند. در نشست هجدهم که در روزهای ۲۴ تا ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ با حضور معاونان وزارت امور خارجه روسیه، ایران و ترکیه در نورسلطان قزاقستان برگزار شد نیمه دوم سال ۲۰۲۲ به‌عنوان زمان برگزاری نشست نوزدهم تعیین شد. نشست نوزدهم قرار است در شهر نورسلطان (نام جدید شهر آستانه) قزاقستان برگزار شود. در این گفت‌وگوها همچنین طرف‌های پیشین حاضر در نشست حضور ثابتی ندارند و آمریکا نیز به‌طور کامل حذف شده است. شاخه دوم نشست‌های چهارچوب آستانه، نشست سران است که نخستین مورد آن در اول آذر ۱۳۹۶ (۲۲ نوامبر ۲۰۱۷) در شهر سوچی روسیه با حضور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت ایران برگزار شد. میزبانی این نشست میان کشورهای عضو به صورت چرخشی برگزار می‌شود و تاکنون هفت دوره آن انجام شده است. تنها ایران به دلیل شیوه برگزاری نشست ششم که به دلیل محدودیت‌های کرونایی به صورت مجازی برگزار شده و به صورت اسمی تهران میزبان آن بود، در دوره هفتم نیز به‌طور مجدد میزبان آن شد.

در حقیقت نشست آستانه برآیندی از حضور تمامی بردارهای قدرت و درهم شکسته شدن طرف‌های ضعیف و باقی ماندن عناصر قوی آن در قضیه سوریه است. آرایش نیروهای باقی‌مانده

در معادلات سوریه که در چهارچوب آستانه منعکس شده تا اندازه‌ای مهم است که برخی آن را از جنگ جهانی دوم بی سابقه دانسته‌اند زیرا برای نخستین بار است که یک چهارچوب بدون حضور غرب به رهبری آمریکا و حتی سازمان ملل وظیفه حل‌وفصل یک بحران بزرگ بین‌المللی را برعهده می‌گیرد.

چهارچوب جایگزین ناپذیر

هم‌زمان با پایه‌گذاری نشست‌های آستانه، غرب تلاش کرد به نوعی یک بدل غربی نیز برای ورود خود ایجاد کند. نشست‌های سران روسیه، ترکیه، آلمان و فرانسه از این رو برگزار شد تا غرب بتواند از این طریق در تحولات نقش ایفا کند. با وجود این، چنین نشست‌هایی صرفاً پیرامون وضعیت ادلب برگزار می‌شد. آمریکا نیز احتمالاً به دلایل مختلفی از جمله محدود بودن موضوع گفت‌وگوها، جلوگیری از درگیر شدنش در یک بحران دیگر و همچنین پیشبرد منافعش از سوی آلمان و فرانسه در این نشست‌ها شرکت نمی‌کرد. هرچند حضور آلمان به‌عنوان یک قدرت مالی باعث شد تا ترکیه از این گفت‌وگوها بهره مالی ببرد و برلین را برای جلوگیری از امواج مهاجرتی به ارائه امتیاز راضی کند اما پس از آن دیگر آلمان و فرانسه موضوعیت خود را در قضیه سوریه از دست دادند. مساله‌ای که نشان می‌دهد چهارچوب آستانه نه‌تنها با بدل غربی قابل‌مقایسه نبود بلکه اساساً ساختار بدل از بین رفت.

استمرار نشست‌ها نشانه استحکام ساختار

چهارچوب آستانه میان سه قدرت حاضر در بحران سوریه که منافع متفاوتی دارند در اوج تنش‌ها و در زمینه پویایی‌های منطقه‌ای تشکیل شد و همچنان با گذشت دست‌کم ۶ سال از برگزاری نخستین نشست سران همچنان در این سطح عالی ادامه یافت.

استمرار یک ساختار و سرریز موضوعی آن به دیگر حوزه‌ها نشان‌دهنده نقطه قوت و استحکام بالای آن است. امروزه هرچند موضوع سوریه همچنان دلیل برگزاری نشست اصلی است اما در حاشیه پررنگ آن، موضوعات کلان بین‌المللی دیگری نیز مورد راینزنی و توافق قرار می‌گیرند.

نمادی از بلوک شرق

کشورهای منطقه طی چند دهه اخیر تلاش کرده‌اند غرب را طرف معامله خود قرار دهند. این اقدام حداقل در حوزه عراق منجر به فروپاشی یک ساختار دیکتاتوری منطبق با دیکتاتوری‌های منطقه و سربرآوردن یک نظام سیاسی دموکراتیک با غالبیت شیعیان بود و در حوزه سوریه نیز تمام توان آمریکا، اروپا و متحدان‌شان از سراسر جهان چیزی جز شکست نبوده است. منطقه دست‌کم از دو دهه اخیر مشحون چنین مصداق‌هایی است اما زمان حاضر برای فهم این نکته شاید مناسب‌تر باشد. در هفته‌های اخیر کشورهای منطقه تلاش کردند تا دست به معامله‌ای با آمریکا و رژیم‌صهیونیستی بزنند. این تلاش، زمینه‌ای چند ساله در رفت‌وآمدهای سران منطقه با مسئولان آمریکایی و صهیونیستی داشت که یک نمود آن پیمان‌های صلح موسوم به ابراهیم است. شیوخ منطقه علی‌رغم این رنج‌ها اما عملاً از هم‌پیمانی جدیدشان با صهیونیست‌ها و حامی آمریکایی‌شان طرفی نیستند. این شکست اسفبار چندین ساله که همراه با هزینه‌کرد مالی، سیاسی و همچنین به حراج گذاشتن آبروی اعراب در قضیه فلسطین همراه بود درحالی‌رقم خورد که ترکیه با پیوستن به ساختارهایی که ایران و روسیه در آن حضور دارند ضمن بهره بردن از چنین ساختاری وزن خود در نگاه غرب را هم افزایش داد.

نقش برجسته‌های نشست تهران

نشست تهران هرچند در زمینه‌ای قوی ناشی از استمرار چهارچوب آستانه برگزار شد اما به خوبی توانست با موفقیت‌هایی قرین شود که به‌طور مستقل از پیشینه



چنین نشست‌هایی، هفتمین نشست سران کشورهای عضو چهارچوب آستانه را برجسته کند. در ادامه به این ویژگی‌ها پرداخته شده است.

موضع‌گیری جدی و شدید ایران ضد توسعه‌طلبی غرب

در فضای پیرامونی حاصل‌شده از نشست تهران، ایران به صراحت مواضع ضدغربی خود را تبیین و تاکید کرد هرچند جنگ مذموم است اما اگر روسیه برای سرکوب ناتو وارد اوکراین نمی‌شد، این ساختار مهاجم غربی به‌بهانه‌هایی مانند شبه‌جزیره کریمه جنگی را علیه مسکو به راه می‌انداخت. این موضع‌گیری شاید صریح‌ترین موضع تهران از زمان آغاز جنگ اوکراین است؛ جایی که ایران آن را نه جنگ روسیه و اوکراین بلکه جنگ روسیه با ناتو در اوکراین می‌داند. خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس پس از این موضع‌گیری نوشت: «پوتین در تهران از حمایت قاطع ایران در جنگ اوکراین بهره‌مند شد». همچنین روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز تاکید کرد: «تایید جنگ روسیه علیه اوکراین به‌وسیله جمهوری اسلامی بسیار فراتر از حمایت محتاطانه چین بوده و مهر تاییدی بر موضع پوتین است که غرب را متهم می‌سازد راه دیگری در برابر روسیه جز اقدام نظامی باقی نگذاشت.»

تاکید بر اخراج آمریکا

ایران خواهان اخراج نظامی آمریکا از منطقه است و آن را به‌عنوان یک دست‌ورکار، آشکارا بیان کرده است. نقطه تمرکز اصلی حضور عملیاتی غرب در منطقه نیز در زمان اعلام این دست‌ورکار افغانستان، عراق و سوریه بود.

تابستان سال گذشته میلادی آمریکا از افغانستان فرار کرد و در روزهای پایانی این سال نیز بخش بزرگی از نیروهای خود را به‌دلیل حملات نیروهای مقاومت از عراق خارج ساخت. با این حال سوریه همچنان محل منازعه است. نیروهای آمریکایی در این کشور نیز از سال گذشته برای نخستین‌بار مورد حمله مستقیم قرار گرفتند و حتی در ماه‌های اخیر پس از یک حمله پهنادهی نیروهای متحد ایران به پایگاه نیروهای آمریکایی در التنف، این پایگاه در نخستین حمله مستقیم روسیه به نیروهای آمریکایی، مورد هدف قرار گرفت.

ایران، روسیه و ترکیه به‌طور مشترک خواستار خروج بی‌ثبات‌ساز آمریکا از شرق سوریه شده‌اند. آنکارا با وجود آنکه عضوی از ناتو به شمار می‌رود، آمریکا و اروپا را بارها به مسلح‌سازی گروه‌های تروریست و تجزیه‌طلب کردی متهم کرده است.

مشخص شدن عیار همکاری‌های ایران

ایران هرچند وزن مشخصی در جهان دارد اما به دلیل رویکرد و اراده‌اش در معادلات زیادی فراتر از وزنش می‌تواند موثر باشد. با این حال آنچه از ایران یک کشور متفاوت می‌سازد، فارغ از قدرت یا ضعف آن، وفای به عهد و قابل‌انکا بودن آن است. اردوغان روابط پر فراز و نشینی با ایران داشته اما همواره حتی در سخت‌ترین لحظات از حمایت‌های ایران بهره‌برده که یک پرده آن، اقدام ایران در کمک مستقیم به وی در جریان کودتای آمریکایی سال ۲۰۱۶ است.

روسیه نیز در شرایط کنونی برای تامین تسلیحات تاکتیکی خود مانند پهپاد، مسیرهای تجاری، تامین کالا و حتی تقویت قدرتش در جایگاه انرژی به همکاری با ایران نیاز دارد و تهران نیز نشان داده حاضر به قبول ریسک‌های بزرگ برای کمک به متحدان خود است؛ چه سوریه باشد و چه روسیه.

میدانین انرژی منطقه تحت کنترل است

اجلاس تهران درکنار قدرت‌نمایی قدرتهای شرقی دربرابر غرب و متحدانش به‌دلیل حضور دو تولیدکننده بزرگ انرژی جهان که با تحریم‌های غرب مواجه هستند، نشان‌دهنده یک موضوع دیگر نیز بود؛ غرب بدون اجازه قدرت‌های شرقی



که مدیریت معادلات در منطقه را در دست دارند نمی‌توان به‌راحتی از قفقاز، اقلیم کردستان و فلسطین اشغالی به اروپا انرژی صادر کرد.

تصمیم منطقه‌ای برای جلوگیری از قدرت‌یابی تجزیه طلبی کردی

بند چهارم بیانیه تهران ضرورت مبارزه با گروه‌های جدایی‌طلب را موردتاکید قرار داده است؛ موضوعی که تقریباً منظوری جز گروه‌های جدایی‌طلب و تروریست کردی حاضر در شرق سوریه ندارد.

این گروه‌ها هم‌اکنون در فشار شدیدی قرار دارند، زیرا می‌دانند آمریکا از آنها حمایت موثری به‌عمل نخواهد آورد، به‌ویژه آنکه سابقه معامله کردها با ترکیه در بخشی از نواحی شمال شرق سوریه توسط آمریکا در جلوی چشمان‌شان قرار دارد.

از همین‌رو فرمانده نیروهای ارتش روسیه در سوریه طی مذاکره با فرماندهان «قسد» (نیروهای دموکراتیک سوریه) موافقت آنها برای عقب‌نشینی کامل از مسیر m۴ و تحویل آن به ارتش سوریه را جلب کرد. این اقدام بهانه ترکیه جهت حمله به شمال شرق سوریه را که مبتنی بر سرکوب کردهاست از دست آنکارا خارج می‌سازد.

همچنین در سوی دیگر یگان‌هایی از ارتش سوریه و روسیه در شمال شرق سوریه مستقر شده و هم‌زمان مستشاران ایرانی و گروه‌های مقاومت تحت فرمان آنها نیز وارد منطقه شده‌اند.

هرچند حضور این نیروها یک هشدار و اخطار برای ترکیه به‌شمار می‌رود اما هم‌زمان میزان تسلط گروه‌های کردی بر شمال شرق سوریه را نیز کاهش می‌دهد؛ مساله‌ای که موردخواست آنکارا نیز به‌شمار می‌رود.

محکومیت حملات رژیم صهیونیستی

مقامات صهیونیست تلاش‌های گسترده‌ای برای حل مشکلات داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی داشته‌اند اما از شانس بدشان این معضلات در هر دوره از ابعاد گسترده‌تری برخوردار می‌شود.

صهیونیست‌های اخیر این گونه‌هاسترن شدن نیروهای محور مقاومت به مرزهای فلسطین اشغالی در سمت سوریه مواجه بوده‌اند و هم‌زمان با آن نیز به دلیل بحران اوکراین شاهد روند فراینده جدایی مسکو از خود هستند.

به همین دلیل حملات رژیم صهیونیستی به مراکز دولت سوریه و متحدانش این بار نیز توسط ایران، روسیه و ترکیه محکوم شد. تل آویو که به اندازه کافی در داخل با وضعیت بغرنج روبه‌رو است و با روس‌ها نیز شاخ‌به‌شاخ شده حالا نظاره‌گر ترکیه‌ای است که در ماه‌های اخیر این گونه‌هاسترن شده بود که خواهان نزدیکی به رژیم صهیونیستی است.

صهیونیست‌ها این نزدیکی را از روی استیصال و با تردیدهای بسیار قبول کردند، زیرا آنها با توجه به سیاست‌های اردوغان نسبت به نیات ترکیه شک بسیاری دارند. آنها در راستای همین شک و تردیدها نظاره‌گر محکومیت حملات‌شان به مراکز محور مقاومت توسط ترکیه هستند.

تصمیم قاطع برای جلوگیری از سلطه غرب بر سیستم مالی جهانی

تا پیش از تحریم‌های ایران تقریباً کشوری نبود که به‌طور کامل از سیستم مالی جهانی محروم شود. با حمله روسیه به ساختارهای ناتو در اوکراین این کشور نیز مورد تحریم‌های سنگین قرار گرفته و از دسترسی به سیستم مالی جهان تقریباً محروم شد.

تا قبل از تحریم‌های روسیه، این کشور و چین با مشاهده تحریم‌های ایران به فکر راه‌حل‌های جایگزین افتادند. هنگامی که شرکت‌های چینی در دوره ترامپ مورد تحریم قرار گرفتند و فروش‌های تسلیحاتی روس‌ها نیز با تحریم‌هایی مشابه روبه‌رو شد، یکن و مسکو به‌سمت عملی‌سازی راه‌حل‌هایی که پیش‌تر به آنها اندیشیده بودند گام برداشتند به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۰ سهم دلار در روابط دوجانبه این

دو کشور به زیر ۵۰ درصد رسید.

در جریان رایزنی‌هایی که در حاشیه نشست تهران شکل گرفتند ایران و روسیه بر دل‌زدایی از روابط اقتصادی جهانی تاکید کردند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تهران و مسکو فراتر از روابط فی‌مابین قصد دارند در روابط اقتصادی با دیگر کشورها نیز از ساختارهایی مشترک بهره‌گیرند. ایران امروز دست‌کم در دو ساختار بزرگ منطقه‌ای یعنی سازمان شانگهای به‌صورت عضو و همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیای به‌صورت همکار درکنار روسیه حضور دارد و هر ساختار مشترک ایجادشده توسط این دو کشور می‌تواند به‌سرعت روابط اقتصادی دیگر کشورهای پیرامون‌شان را نیز تحت‌تاثیر قرار دهد.

تلاش برای همکاری سه‌جانبه چین، روسیه و ایران
پوتین در جریان دیدار خود با مقامات ایرانی اشاره‌ای مهم به همکاری قدرت‌های شرقی به‌ویژه در حوزه نظامی داشته و اعلام کرد: «ایران و روسیه در سوریه درحال مبارزه مشترک با تروریسم هستند و در زمینه نظامی تلاش می‌کنیم همکاری‌های دو کشور و همچنین همکاری و مانورهای سه‌جانبه با چین را توسعه دهیم.»

این سه کشور تاکنون در دوسال گذشته رزمایش‌های مشترکی در دریای عمان و اقیانوس هند داشته‌اند و گفته می‌شود قرار است به‌زودی رزمایش دریایی مشابهی را در ونزویلا برگزار کنند.

تهران نقطه محوری در منطقه است نه عربستان و رژیم صهیونیستی

جو بایدن در سفر خود به منطقه از فلسطین اشغالی و عربستان سعودی دیدن کرد و در نشست با حضور ۱۰ کشور منطقه در جده نیز شرکت داشت. با وجود ابرقدرتی آمریکا و تعداد بالای کشورهای حاضر در این نشست اما واشنگتن به دستاوردهای خاصی در منطقه نرسید، به‌گونه‌ای که حتی خبرگزاری فرانسه و خبرگزاری انگلیسی رویترز نیز سفر بایدن را شکست‌خورده توصیف کردند.

در مقابل اما روسیه و ترکیه هر دو در تهران به دستاوردهایی بزرگی نایل شدند به‌ویژه آنکارا که در دوران سر به فلک کشیدن قیمت گاز موفق شد آینده واردات انرژی خود را در قراردادی با تهران تضمین کند.

روسیه منزوی و محدود نشده است

جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید سفر پوتین به تهران را نشان انزوای او درپی حمله به اوکراین توصیف کرده است.

این درحالی است که اخیراً حتی جوزف بول، مسئولیت فعلی سیاست خارجی اتحادیه اروپا و وزیر خارجه اسبق اسپانیا اعلام کرد صرفاً غرب و آمریکا به همراه کانادا در برابر روسیه واکنش نشان داده‌اند و کشورهای جنوبی دیدگاه متفاوتی درباره مسکو دارند. در فروردین سال جاری نیز وزرای خارجه کشورهای عربی در بحبوحه جنگ در اوکراین با سفر به مسکو میهمان لاوروف، وزیر خارجه این کشور بودند. چنین مواضع و اتفاقاتی گفته‌های کری را از لحاظ اعتبار ساقط کرده و آن را به یک ادعای کینه‌توزانه و غیرواقعی تقلیل می‌دهد.

حضور روسیه در نشست تهران برای تصمیم‌گیری درباره سوریه و همچنین در رایزنی‌های پیرامونی درباره دیگر مسائل جهانی و منطقه‌ای نشان داد مسکو همچنان از نفوذ قابل‌توجهی به‌ویژه در سرزمین‌های اطراف اروپا برخوردار است. این نفوذ از آنجا دارای اهمیت است که قراره همین نشست می‌تواند با مسکو هم‌زمان در شرق اروپا، غرب آسیا و شمال آفریقا درگیر باشد.

تضعیف عامل غرب در روابط بین شرقی

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی درباره نشست تهران نوشته است: «روسیه با وجود آنکه همچون ایران، روابط خصمانه‌ای با آمریکا داشته و تهران و مسکو در سوریه همکاری نظامی می‌کردند، سال‌ها احتیاط می‌کرد که چندان به تهران نزدیک نشود.» در ادامه این گزارش جنگ در اوکراین را تغییردهنده رویه پیشین دانسته است. چنین گزارشی نشان می‌دهد روابط میان قدرت‌های شرقی به دلیل تهدیدات غرب همواره با خطر روبه‌رو بوده و این قدرت‌ها از بیم آمریکا با احتیاط به یکدیگر نزدیک می‌شده‌اند. اخیراً نیز گروهی از قانونگذاران آمریکایی لایحه‌ای را به سنای این کشور ارائه کرده‌اند که هرگونه اقدام دولت این کشور در زمینه بازگشت به توافق هسته‌ای را مشروط به قطع روابط ایران با چین و درخواست‌های زیاده‌خواهانه دیگر می‌کند. این مساله نیز دلیل دیگری بر سراه سنگین غرب بر روابط میان قدرت‌های شرقی است.

قراردادها و قراردادهای اقتصادی
در جریان سفر پوتین به تهران قراردادی به ارزش ۴۰ میلیارد دلار میان دو کشور جهت توسعه میدان نفت و گاز امضا شد. همچنین تهران و آنکارا قرارداد صادرات گاز از ایران به ترکیه را به مدت ۲۵ سال دیگر تمدید کردند. ایران و ترکیه قصد جدی خود برای رساندن حجم روابط تجاری‌شان به ۳۰ میلیارد دلار را اعلام کرده‌اند.